

## سیره تربیتی امام حسین علیه السلام در سیمای آیاتی سوره مریم علیه السلام

مریم احمدلی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۸/۱۱

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۲/۱۷

### چکیده

در بین سوره‌های قرآن سوره مبارکه مریم علیه السلام به جهت ویژگی حروف مقطعه و مضامین آیاتی خود، بیش از سوره دیگر قرآن، رنگ و بوی حسینی علیه السلام دارد. وقتی در سیره تربیتی امام حسین علیه السلام از منظر آیاتی نگریسته می‌شود، به نظر می‌رسد سوره مریم علیه السلام بیش از سوره‌های دیگر قرآن، جریان تربیت حسینی علیه السلام را در خود نشان داده است. از این رو نگرش به فضای سوره مریم علیه السلام از منظر سیره تربیتی حسینی علیه السلام و بررسی مضامین آن، ارتباط تنگاتنگ قرآن و عترت را بیش از پیش جلوه‌گر می‌کند. این تحقیق به روش اسنادی و کتابخانه‌ای به واکاوی صفات و ویژگی‌های سیره تربیتی امام حسین علیه السلام در کاروان حسینی علیه السلام پرداخته و درصدد پاسخ به این پرسش است که جنبه آیاتی سلوک حسینی از منظر سوره مریم علیه السلام چگونه قابل فهم خواهد بود؟

**کلیدواژه‌ها:** سوره مریم علیه السلام، امام حسین علیه السلام، آیات.

۱. کارشناسی ارشد علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (aminfater@yahoo.com)

آیات سورهٔ مریم علیها السلام حاوی نکاتی است که با دقت در آن، سیره تربیتی اهل بیت علیهم السلام خصوصاً امام حسین علیه السلام آشکار می‌شود. با بررسی شباهت‌هایی که در سیاق آیات این سوره با کاروان حسینی علیه السلام وجود دارد، وجه دیگری از سیمای تربیتی اهل بیت علیهم السلام رخ می‌نماید. با تأمل در کتب علما و اندیشه‌وران اسلامی، آن‌چه آشکار می‌شود پرداختن به جنبه‌های حماسی، ادبی و تاریخی عاشورا است. به بیانی دیگر، پرداختن به جنبه تاریخی عاشورا در نقل‌ها و گفتارها بسیار پررنگ است. مقاتل متعددی در این زمینه نگاه شده که ملاک تحلیل‌هایشان بر اساس روایت‌های تاریخی بوده و جایی برای تحلیل‌های ارزشی و آسمانی مشاهده نمی‌شود؛ زیرا مبنای مقاتل بیان گزارش‌هایی است که عموماً افرادی از لشکر دشمن<sup>۱</sup> یا منفعلانی که لشکر حسین علیه السلام ویزید در نگاهشان یکسان می‌نمود، شاهد و راوی صحنه‌ها بوده‌اند و آن‌چه می‌دیدند را گزارش می‌کردند؛ افرادی که عموماً نه تنها در سیرت‌تعالیم اهل بیت علیهم السلام قرار نداشتند، بلکه زره عداوت علیه آن بزرگواران نیز بر تن داشتند، قطعاً نمی‌توانستند حقیقت رفتارهای اهل بیت علیهم السلام را توصیف کنند.

متأسفانه در بسیاری موارد، مطالب این راویان، پایهٔ تحلیل‌های مختلفی از سیره تربیتی امام علیه السلام قرار گرفته است؛ در حالی که موثق‌ترین و عالی‌ترین توصیفات از سیره تربیتی اهل بیت علیهم السلام در سیمای قرآن نمود دارد. لذا می‌طلبد که با تدبر و تفکر در مفاهیم مطرح شده در آیات قرآن و مضامین آن، سیرهٔ تربیتی اهل بیت علیهم السلام از منظر قرآن نگریسته شود و ابوابی که به روی همهٔ جویندگان حق و حقیقت گشوده شده و سرفصل‌هایی نوین از تعالیم روح‌بخش قرآن و سیرهٔ معصومین علیهم السلام را که بر اساس آموزه‌های قرآنی است در اختیار مشتاقان قرار دهد. از این رو اهتمام پژوهش‌پیش رو بر این مهم است.

### نگاهی به سلوک حسینی علیه السلام در نظام عالم

خداوند بشر را آفرید و در وجود او قابلیت‌ها و استعدادهایی قرار داد تا تجلی صفات

۱. مانند هلال بن نافع گزارشگر وقایع عاشورا از لشکر دشمن.

الهی شود. مسیر حرکتی که خدا برای انسان در نظام عالم ترسیم فرموده، مسیر «انا لله وانا الیه راجعون» است؛ مسیری که نشان می‌دهد انسان از خداست و به سوی خدا باز می‌گردد. او را به دنیا فرستاد تا در تلاطم عمق عالم آزموده شده و دوباره به سمت جایگاه اصلی خویش بازگردد.

در این راستا، انسان مهمان سفره تربیت‌ها و تعالیم اولیای الهی قرار داده شد. رسول الله ﷺ که شخص اول خلقتند و اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ سفره‌داران خوان کرامت الهی هستند و انبیا ﷺ یعنی دست‌پروردگان مکتب اهل بیت ﷺ واسطه‌های آموزه‌های الهی بر بشر هستند. اما دشمن قسم خورده انسان و ایادی او پیوسته در این مسیر کارشکنی می‌کردند. شیطنت‌ها و فتنه‌گری‌های شیاطین تا جایی گسترش یافت که به واسطه ایادی انسان‌نمای خود، کمر به نابودی کامل اسلام بستند.

در شرایطی که جزنای از اسلام باقی نمانده بود درست مقارن با امامت امام حسین ﷺ ایشان به پا خاستند تا دین رسول خاتم را اصلاح نموده و در این راه با بذل جان خود و بهترین یارانشان و اسارت خاندان خویش، مسیری وسیع و راهوار از شکفتن و ورود به حیات طیبه را به روی بشر گشودند تا در هر زمان و هر مکان کسی که طالب حق و حقیقت است از این طریق بتواند در مغناطیس عظیم حب‌الحسین ﷺ قرار گیرد و به سمت لقاء الله رهنمون شود. به این ترتیب، نقش امام حسین ﷺ به عنوان احیاکننده اسلام ناب و اصلاح‌گرامت رسول الله ﷺ همیشه بر تارک عالم، تابناک بوده و هست و خواهد بود. این‌جا این حدیث گهربار نبوی ﷺ جلوه‌گر می‌شود که «ان‌الحسین مصباح الهدی و سفینة النجاة».

#### قرابت سیره تربیتی امام حسین ﷺ با سوره مریم ﷺ

در ابتدای سوره مبارکه مریم ﷺ حروف مقطعه «کهیعص» قرار دارد.

بر اساس برخی روایات، این حروف به واقعه عاشورا اشاره دارد و از طرفی پنج‌گانه بودن این حروف نیز وجود مطهر امام حسین ﷺ به عنوان خامس آل عبا را یادآور می‌شود. در کتاب کمال‌الدین شیخ صدوق آمده است که سعد بن عبد الله قمی گفت:

... قُلْتُ: فَأَخْبَرَنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ عَنْ تَأْوِيلِ «كَهَيْعِص». قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَذِهِ الْحُرُوفُ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ، أَطَّلَعَ اللَّهُ عَلِيمًا عَبْدَهُ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ، ثُمَّ قَصَّهَا عَلَى مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَذَلِكَ أَنَّ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ سَأَلَ رَبَّهُ أَنْ يُعَلِّمَهُ أَسْمَاءَ الْحَمْسَةِ، فَأَهْبَطَ عَلَيْهِ جِبْرِيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَعَلَّمَهُ إِيَّاهَا، فَكَانَ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا ذَكَرَ مُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ سُرِّيَ عَنْهُ هُمُّهُ، وَانْجَلَى كُرْبُهُ، فَإِذَا ذَكَرَ اسْمَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَنَقَتْهُ الْعَبْرَةُ، وَوَقَعَتْ عَلَيْهِ الْهُمُومُ، فَقَالَ ذَاتَ يَوْمٍ: «إِلَهِي، مَا بَالِي إِذَا ذَكَرْتُ أَرْبَعًا مِنْهُمْ تَسَلَّيْتُ بِأَسْمَائِهِمْ مِنْ هُمُومِي، وَإِذَا ذَكَرْتُ الْحُسَيْنَ تَدَمَّعَ عَيْنِي، وَتَثُورُ رَفْرَفِي؟» فَأَتْبَاهُ اللَّهُ عَنْ قِصَّتِهِ، فَقَالَ: كَهَيْعِصَ فَالْكَافُ: اسْمُ كَرْبَلَاءَ، وَالْهَاءُ: هَلَاكُ الْعَبْرَةِ، وَالْيَاءُ: يَزِيدُ (لَعَنَهُ اللَّهُ): وَهُوَ ظَالِمُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَالْعَيْنُ: عَظْمُهُ، وَالصَّادُ: صَبْرُهُ. فَلَمَّا سَمِعَ بِذَلِكَ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يُبَارِقْ مَسْجِدَهُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ، وَمَنَعَ فِيهِنَّ النَّاسَ مِنَ الدُّخُولِ عَلَيْهِ، وَأَقْبَلَ عَلَى الْبُكَاءِ وَالتَّجِيبِ، وَكَانَتْ تُذَبِّبُهُ: «إِلَهِي أَنْفَجِعْ خَيْرَ مَجِيعِ خَلْقِكَ بِوَلَدِهِ، إِلَهِي أَنْتَزِلْ بَلْوَى هَذِهِ الزَّرِّيَّةِ فِيْنَايهِ، إِلَهِي أَنْتَلِسْ عَلَيًّا وَفَاطِمَةَ تِيَابَ هَذِهِ الْمُصِيبَةِ، إِلَهِي أَتَحِلُّ كُرْبَةَ هَذِهِ الْفَجِيعَةِ بِسَاحَتِهِمَا. ثُمَّ كَانَ يَقُولُ: «إِلَهِي اارْزُقْنِي وَلَدًا تُفَرِّقُهُ عَيْنِي عَلَى الْكَبِيرِ، وَاجْعَلْهُ وَاِرْنَا رَضِيًّا، يُوَاوِي مَحَلَّهُ مِنِّي مَحَلَّ الْحُسَيْنِ، فَإِذَا ارْزُقْتَنِيهِ فَأَتَيْتِي بِحُبِّهِ، ثُمَّ أَفْجِعْنِي بِهِ، كَمَا أَنْفَجَعْتَ مُحَمَّدًا حَبِيبَكَ بِوَلَدِهِ» فَارْزَقَهُ اللَّهُ (تَعَالَى) بِحَبِيبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَفَجَّعَهُ بِهِ، وَكَانَ حَمَلٌ يَحْبِي سِتَّةَ أَشْهُرٍ، وَحَمَلُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَذَلِكَ، وَلَهُ قِصَّةٌ طَوِيلَةٌ: (صدوق، ۱۳۶۲: ۲/ ۲۰۱؛ طبري، ۱۴۱۳: ۵۱۴)

خدمت امام صادق عليه السلام رسیدم وگفتم: ای فرزند رسول خدا! تأویل آیه «که هیعص» چیست؟ فرمود: این حروف از اخبار غیبی است که خداوند زکریا را از آن آگاه کرده و سپس داستان آن را به محمد بازرگفته است. داستان آن از این قرار است که زکریا از پروردگارش درخواست کرد اسما خمس طیبه را به او بیاموزد و خدای تعالی جبرئیل را بر او فرو فرستاد و آن اسما را بدو تعلیم داد. زکریا چون محمد و علی و فاطمه و حسن را یاد می کرد، اندوهش برطرف می شد و گرفتاری اش زایل می گشت و چون حسین را یاد می کرد، بغض و غصه گلویش را می گرفت و می گریست و مبهوت می شد. روزی گفت: بارها! چرا وقتی آن چهار نفر را یاد می کنم تسلیت می یابم و اندوهم برطرف می شود، اما چون حسین را یاد می کنم اشکم جاری می گردد و ناله ام بلند می شود؟ خدای تعالی او را از این داستان آگاه کرد و فرمود: «که هیعص» و «کاف» اسم کربلاست و «هاء» رمز هلاک

عترت است و «یاء» نام یزید ظالم بر حسین علیه السلام است و «عین» اشاره به عطش و «صاد» نشان صبر او است... .

مفسران نیز درباره چستی این حروف، دیدگاه‌هایی دارند. علامه طباطبایی رحمته الله معتقد است که با تدبّر در سوره‌هایی که حروف مقطعه همسان دارد، روشن می‌شود که این سوره‌ها، در مضامین و سیاق‌ها نیز با یکدیگر مشابه و متناسب است. (طباطبایی، ۱۳۶۸: ۸۶/۱۸)

### ساختار سوره مبارکه مریم علیه السلام

این سوره بعد از شروع با حروف مقطعه، با اشاره به موضوع عبودیت وارد و تا آیه ۵۸ به ماجرای شش نفر از برگزیدگان عالم یعنی حضرت ابراهیم، زکریا، موسی، یونس، اسماعیل صادق الوعد و حضرت مریم علیه السلام اشاره دارد تا منش آنان را توصیف نماید. بخش دوم، شامل ۴۰ آیه پایانی درباره کسانی است که در جبهه مقابل اولیای الهی قرار دارند و اساساً رفتارهای مخالف عبودیت را نشان می‌دهند. در آغاز سوره به ویژگی شخصیتی حضرت زکریا علیه السلام یعنی عبد بودن ایشان اشاره شده است:

﴿ذَكَرَ رَحْمَتَ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا﴾. (مریم/ ۲)

این شخصیت به لحاظ صفت عبودیت در سوره‌ای همچون سوره مریم علیه السلام توصیف شدند. در واقع ویژگی شاخص همه این اولیاء، عبودیت بر آستان الهی بود. این بزرگواران عموماً به گونه‌ای با ماجرای امام حسین علیه السلام آشنا بودند؛ چرا که اساساً اهل بیت علیهم السلام معلم پنهانی انبیا علیهم السلام بودند و سال‌ها پیش از حضور جسمانی خود، با جنبه‌های روحانی و نورانی خود چراغ هدایت آنان به شمار می‌رفتند.<sup>۱</sup>

۱. محمد بن صدقة أنه قال سأل أبوذر الغفاري سلمان الفارسي رضي الله عنهما يا أبا عبد الله ما معرفة الإمام أمير المؤمنين عليه السلام بالنورانية... قال فانتظرناه حتي جاء قال صلوات الله عليه ما جاء بكما قالاً جئناك يا أمير المؤمنين نسألك عن معرفتك بالنورانية قال... يا سلمان ويا جندب قالاً لبيك يا أمير المؤمنين قال عليه السلام أنا الذي حملت نوحاً في السفينة بأمر ربي وأنا الذي أخرجت يونس من بطن الحوت بإذن ربي وأنا الذي

## فضای رحمت در سوره مریم علیها السلام

این سوره، بیشترین میزان واژگان رحمت را در خود دارد. این میزان بیان رحمت، حسّی دلنشین در قلب مخاطبان وحی ایجاد می‌کند. از طرفی ارتباط رحمت الهی با امام حسین علیه السلام به عنوان «رحمة الله الواسعه» و «مظهر قدیم الاحسانیت خداوند»، بیشتر جلوه می‌کند. این مطلب از بسامد پرتکرار برخی الفاظ، مانند الرحمن، الرحمة، وهبنا، السلام، معلوم می‌شود. کلمه «الرحمن» در سوره مریم به دفعات تکرار شده که فضای بخشش و رحمت را در کل سوره تداعی می‌کند (میرحسینی، ۱۳۹۱).

در سراسر قرآن، ۳۶ بار نام «الرحمن» بیان شده که ۱۶ بار از آن در سوره مریم علیها السلام است و از این تعداد، پنج بار در همین ۵۸ آیه نخست سوره دیده می‌شود که درباره شش نفر از اولیای الهی است.

### رحمانیت و رحیمیت

«الرحمن» یکی از اسماء الهی است که در نظام عالم، مُلکداری و سلطنت خداوند را نشان می‌دهد. قرآن می‌فرماید:

﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾. (طه/۵)

امام صادق علیه السلام در توصیف رحمانیت و رحیمیت الهی فرمودند:

والله اله كل شيء، الرحمن لجميع خلقه؛ الرحيم بالمؤمنين خاصة. (صدوق، ۱۴۰۳: ۳)

خدا بر همه مردم، از هر جنسی و هر ملت و هر کیش، رحمان است و بر مؤمنان، رحیم است. رحمان به معنای مهربانی عام خدا برای تمام موجودات و انسان‌ها و رحیم، مهربانی خاص خدا برای مؤمنان را معنا می‌دهد. رحمان نامی برگرفته از رحمت عام و رحیم از رحمت خاص بر مؤمنان نشأت گرفته است. (مهتدی، ۱۳۹۸: ۱۳۶)

---

جاوزت بموسي بن عمران البحر بأمر ربي وأنا الذي أخرجت إبراهيم من النار بإذن ربي... وأنا الخضر عالم موسى وأنا معلم سليمان بن داود وأنا ذوالقرنين وأنا قدرة الله عز وجل يا سلمان ويا جندب أنا محمد و محمد أنا وأنا من محمد و محمد مني... إن ميتنا لم يموت وغائبنا لم يغيب وإن قتلنا لن يقتلوا. (مجلسی، ۱۴۱۴۰۳: ۱/۲۶)



رحیم، از رحم به معنای عطفوت، دلسوزی و ترحم است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۴ / ۹۵).  
شیخ صدوق علیه السلام درباره معنای رحمت و رحیم می گوید:

رحمت به معنای نعمت است و راحم به معنای منعم. تعریفی که معنای رحیم را به خلق برساند این که انسان بگوید: رحیم یعنی رهایی از آفات و رساندن خیرات به ارباب حاجات. (صدوق، بی تا: ۲۱۶)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

خدا صد پیمانانه رحم را به خلقت رسانده و یک پیمانانه از صد پیمانانه را در خلق پخش کرده است. (حسن بن علی علیه السلام، بی تا: ۳۷)

بنابراین هرکس که رحم دارد، صاحب اندکی از این پیمانانه است. مادربیشترین رحم را دارد و خداوند، بقیه نود و نه پیمانانه رحم را بین اولیایش قرار داده است. مؤمنین، متقین، صالحین و... هرکدام بخشی از این رحم را دارند. صالحین از رحمت بیشترین بهره را دارند و عین صد پیمانانه در محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله وجود دارد.

### امام حسین علیه السلام مظهر رحمت واسعة الهی

یکی از القاب اباعبدالله علیه السلام رحمة الله الواسعة است. امام علیه السلام مظهر رحمت الهی هستند. سیره تربیتی ایشان به عنوان پرورش یافتگان مکتب رحمة للعالمین سراسربوی رحمت و مهرورزی دارد. اوج این نگاه رحیمانه شب و روز عاشورا بود. سخنان امام علیه السلام در روز عاشورا به خاطر ارشاد قلوب مهر خورده لشکریان دشمن، رنگ و بوی رحمت و مهرورزی داشت. انتظار امام علیه السلام برای ملحق شدن یاران تا لحظات آخر، نشان از منظر رحیمانه مولا می داد. اگرچه این نگاه رحیمانه در مورد تمامی ائمه طاهرین صدق می کند و در مورد هرکدام از این حضرات بروزات مختلفی داشته است، اما در مورد امام حسین علیه السلام این مقوله چشم گیرتر است؛ زیرا صحنه تربیتی ایشان شاخص تر از سایر ائمه دیگر بوده است. امام علیه السلام در یک بازه زمانی سی و دو روزه به تربیت یاران پرداختند که در مقایسه با سایر اولیای دیگر که شاگردانشان را در طول چند سال تعلیم و تربیت می شدند، منحصر به فرد است. امام حسین علیه السلام قدیم الاحسان و مظهر رحمت الهی هستند تا جایی

که این محبت و مهربانی را درقبال دشمنان خویش نیز جاری کردند. ایشان در طول حیات شریف‌شان در بین مردم، گسترندهٔ حب و مهرورزی بودند؛ چه وقتی که در مدینه‌النبی حضور داشتند و چه در مسیر کوفه، پیوسته در صدد جذب محبان به سمت هدایت برآمدند. این موضوع حتی در نحوهٔ حرکت ایشان به شکل کاروان به سمت کربلا نمود داشت. به بیانی دیگر، رحمت و تربیت جمعی و نه فردی در سیره امام علیه السلام پررنگ بود. از این رو در قالب حرکت کاروانی برای شیعیان نمود داشت. فضای سورهٔ مریم علیه السلام نیز به دلیل تکرار بیشتر واژگان رحمت و رحمانیت، فضایی مملو از فضای رحمت الهی خداوند است. شش ولی بزرگوار مطروحه نیز به واسطه نوع تأثیرپذیری از ماجرای امام حسین علیه السلام، ذوب در فضای رحمت الهی بودند؛ زیرا کسی که از محبت و معرفت امام حسین علیه السلام بهره برده باشد، وجودش مایهٔ خیر و رحمت خواهد بود.

#### ارتباط اولیای الهی نامبرده در سوره مریم علیه السلام با امام حسین علیه السلام

در آیات ابتدایی سورهٔ مریم علیه السلام به ماجرای زکریا علیه السلام اشاره شده است. پس از این که زکریا علیه السلام با ماجرای امام و نحوهٔ شهادتشان آشنا شد، از خداوند درخواست فرزندی کرد که ماجرای شبیه به ماجرای امام حسین علیه السلام داشته باشد. خداوند نیز حضرت یحیی را به ایشان عطا کرد که چه از نظر نحوه خلقت و چه از لحاظ نحوه شهادت به ماجرای اباعبدالله علیه السلام شبیه بود.<sup>۱</sup>

در مورد حضرت ابراهیم علیه السلام ذیل آیهٔ شریفهٔ «وَقَدَيْنَا بِذِيحِ عَظِيمٍ» (صافات/۱۰۷) از قول یکی از معصومین علیه السلام ارتباط ایشان با ماجرای امام حسین علیه السلام تبیین شده است.<sup>۲</sup>

۱. زکریا علیه السلام بشر زکریا بیحیی فی المحراب و علی بشر بالحسن و الحسین و سأل زکریا رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً و قيل للنبي بلا سؤال ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ و قالت امرأة عمران إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا و قال للمرتضى يُوفُونَ بِالنَّذْرِ و قالت رَبِّ إِنِّي وَصَعْتُهَا أَثَى و قال الله تعالى في زوجة علي نساءنا و نساءكم أجاب الله دعاء زکریا رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا أَلَايَةً و أجاب عليا من غير سؤال فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ نَشْرَ زکریا في الشجر و جزر رأس یحیی في الطشت قتل علي في المحراب و ذبح حسین بکربلاء و ذکره الله في کتابه في سبعة عشر موضعا أولها البقرة و آخرها في صاد. (ابن شهر آشوب، بی تا: ۳/۲۵۳)

۲. فضل بن شاذان گفته است: «از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام شنیدم که می گفت: «چون خدا به ابراهیم پیامبر دستور داد به جای فرزندش اسماعیل، گوسفند را بکشد، ابراهیم آرزوی کرد کاش اسماعیل را به



همین طور در مورد موسی بن عمران علیه السلام یا اسماعیل صادق الوعد<sup>۲</sup> و ادريس نبی علیه السلام که به سبب نوع رفتاری که داشتند همانند یاوران امام حسین علیه السلام که در اعلی علیین جای گرفتند، رفعت در درجات عالی برایشان قرار داده شد.<sup>۳</sup> همین طور در مورد خود حضرت مریم علیها السلام «مکاناً قصیاً» (مریم / ۲۲) به محل ولادت عیسی علیه السلام در کربلا اشاره دارد.<sup>۴</sup>

دست خود برای خدا قربانی می‌کرد و در عوض گوسفند را نمی‌کشت تا مستحق بزرگ‌ترین درجه‌های پادشاه گیرندگان گردد. خدای بزرگ بدو وحی کرد: ای ابراهیم! بهترین مخلوق نزد تو کیست؟ گفت: ای خدا! مخلوقی نیافریدی که نزد من از یار تو محمد گرامی‌تر باشد. سپس پرسید: تو خود را بیشتر دوست داری یا او را؟ گفت: او را و نیز فرزند او را از فرزند خود بیشتر دوست دارم. سپس به ابراهیم گفت: کشته شدن فرزند وی به ستم به دست دشمنانش بیشتر دل‌تورا می‌سوزاند یا کشته شدن فرزند تو اسماعیل به دست خود در بندگی من؟ گفت: فرزند او به دست دشمنانش دل مرا بیشتر می‌سوزاند. خدا گفت: ای ابراهیم! گروهی می‌پندارند که از پیروان محمد هستند، اما فرزندش حسین را به ستم چون گوسفند می‌کشند؛ از این رو شایسته سخط می‌گردند. ابراهیم از این گفتار بنالید و دل وی بسوخت و همی‌گریست. سپس خدا گفت: ای ابراهیم! سوختن دل‌تورا بر حسین فدای دل سوختن تو بر فرزند تو اسماعیل گردانیدم، اگر او را به دست خویش سر می‌بریدی. از این جهت بالاترین درجات پادشاه گیرندگان را برای تو گردانیدم. چنان که در قرآن کریم گفته است: «اورا فدای بزرگی دادیم». (صدوق، ۱۳۶۲: ۴۸ / ۱)

۱. فَإِنَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عليه السلام سَأَلَ اللَّهَ أَنْ يُأَذِّنَ لَهُ فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ فَأُذِنَ لَهُ فَهَبَطَ مِنَ السَّمَاءِ فِي سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ فَهُمْ بِحَضْرَتِهِ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ يَنْتَظِرُونَ طُلُوعَ الْفَجْرِ ثُمَّ يَغْرُجُونَ إِلَى السَّمَاءِ قَالُوا قُلْتُ لَهُ فَمَنْ أَنْتَ عَافَاكَ اللَّهُ قَالَ أَنَا مِنَ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ أَمُرُوا بِحِرْسِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ ع وَالْإِسْتِغْفَارِ لِرُؤَاةِهِ (ابن قولويه، ۱۳۵۶: ۱۱۲)

وَحَدَّثَنِي أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ النَّاقِدُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو هَارُونَ الْعَيْسِيُّ [الْعَيْسِيُّ] عَنْ أَبِي الْأَشْهَبِ جَعْفَرِ بْنِ حَنَّانٍ [حَيَّان] عَنْ خَالِدِ الرَّبَعِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي مِنْ سَمِيعٍ كَعْبًا يَقُولُ أَوَّلُ مَنْ لَعَنَ قَاتِلَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُ الرَّحْمَنِ لَعَنَهُ وَأَمْرٌ وُلِدَهُ بِذَلِكَ وَأَخَذَ عَلَيْهِمُ الْعَهْدَ وَالْمِيثَاقَ ثُمَّ لَعَنَهُ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ وَأَمْرًا مَثَلَهُ بِذَلِكَ ثُمَّ لَعَنَهُ دَاوُدُ وَأَمْرٌ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِذَلِكَ. (همو: ۶۷)

۲. کسی که خداوند در قرآن درباره او فرموده است: «در کتاب، اسماعیل را به یاد آر که صادق الوعد و پیامبر و رسول بود» [پیامبری بود که] خداوند قومش را بروی مسلط کرد که صورت او را خراشیدند و پوست از سرش کردند، سپس خداوند فرشته‌ای را نزد او فرستاد و به او گفت: پروردگار عالمیان به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: من آنچه را که قوم تو بر سر تو آوردند دیدم. بنا بر این هر چه دلت می‌خواهد از من بخواه. عرض کرد: ای پروردگار عالمیان! من به حسین بن علی بن ابی‌طالب تأسی می‌کنم و می‌خواهم چون او گرفتار آیم. امام صادق علیه السلام فرمود: و این شخص اسماعیل بن ابراهیم علیه السلام نبود [بلکه پیامبر دیگری بود به نام اسماعیل صادق الوعد]. (جزائری، ۱۳۸۰: ۴۴۷؛ مفید، ۱۴۱۳: ۵۲)

۳. «وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا»؛ «وما او را به مقام والایی رساندیم».

۴. علی بن الحسین علیه السلام در توضیح آیه «فَأَنْتَبَذْتُ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا»؛ «مریم همراه با حمل خود به مکانی دور دست از خانواده‌اش کناره‌جست» فرمود: مریم از راه دمشق به سرزمین کربلا وارد شد و کودکش را در کناره

## ۱. عبودیت اولیا و اباعبداللّه الحسین علیه السلام

عبودیت نشان سرسپردگی و اظهار بندگی بنده با معبود است. خداوند انسان را به جهت پرستش و بندگی خود آفرید.<sup>۱</sup>

عبودیت درجات مختلفی دارد. در معنای پرستش، فقط مختص ذات بی همتای الهی است؛ ولی درجات دیگر عبودیت در معنای هماهنگ بودن و گوش به فرمان شدن می تواند نسبت به دیگران نیز معنا داشته باشد. در قرآن کریم، عبارت «عبادنا» به بندگان برگزیده ای اشاره دارد که چشم به ولی خدا دوختند تا برخواست او را پویند.<sup>۲</sup> بنابراین عبودیت، مجموعه رفتارهای همراه بودن است و اوج آن به صورت پرستش نسبت به خداوند معنا دارد.

شش نفر از اولیای الهی در سوره مریم علیه السلام در عبودیت الهی پیشتاز بودند؛ امری که ارتباطی به نبی بودن یا نبودن ندارد؛ چرا که مریم علیه السلام نبی نبودند. سبب درخشش این بزرگواران، صفت عبودیت است. این بدان معنا نیست که دیگر انبیا و اولیا، دارای این صفت نبودند؛ اما در مورد این بزرگواران به طور ویژه مطرح شده است.<sup>۳</sup>

زکریا علیه السلام و دیگر برگزیدگان الهی با زبان وحی آشنا بودند و می دانستند چه چیز نزد خداوند مطلوب است؛ اما هماهنگی با خواست خداوند در صفت عبودیت تجلی دارد. در مورد انبیا یا غیر انبیا، امتحان عبودیت جواز ورود به مقامات بالاتر است. در قرآن، عبودیت بارها در کنار مقوله دین و ولایت و ایمان مطرح شده است؛ ولی آن چه مسلم است، عبودیت مقدمه ای بر سایر فضایل است. در مورد رسولان آمده است:

﴿وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ﴾. (صافات/۱۷۱)

آرامگاه امام حسین علیه السلام به دنیا آورد. آن گاه شبانه به سرزمین خود بازگشت. (داستان پیامبران یا قصه های قرآن، از آدم تا خاتم: ۵۷۸)

۱. ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات/۵۶)؛ «و امر به عبودیت مخلصانه کرد». ﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حَتَّىٰ تَقُومَ الصَّلَاةُ وَ يُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَ ذَلِكُمْ دِينُ الْقِيَمَةِ﴾ (بینه/۵).

۲. ﴿فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِزِّنَا وَ عَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا﴾ (کهف/۶۵)

۳. ﴿ذَكَرَ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا﴾ (مریم/۲)

یا «... عبادی الصالحون» یا «عبادنا المخلصین» یا «عبادنا المؤمنین». همین طور در مورد رسول الله ﷺ در نماز بر موضوع تقدم عبودیت بر رسالت ایشان گواهی داده می شود. این نشان از اهمیت عبودیت بر بسیاری از فضایل دارد. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان آورده است:

حق عبادت این است که خود را حاضر و روبه روی خدا بداند و آنی از عبادت غایب و غافل نشود. به عبارت دیگر عبادت وقتی تمام و کامل می شود که به غیر خدا به کسی دیگر مشغول نباشد، و در عملش شریکی برای سبحان نتراشد، و دلش در حال عبادت بسته و متعلق به جایی نباشد، نه به امیدی، و نه ترسی، حتی نه امید به بهشتی، و نه ترس از دوزخی که در این صورت عبادتش خالص، و برای خداست. (طباطبایی، ۱۳۶۸: ۴۱/۱-۴۲)

بنابراین عبد یعنی کسی که نسبت به معبود با تمام وجود مطیع و هماهنگ باشد.

## ۲. توجه به مقوله آیات

آیه معانی بسیاری دارد اما شاخص ترین معنای آیات همان نشانه هاست. آیات جمع آیه (موسی، ۱۴۰۱: ۲/ ۹۱۴) قسمتی از جملات قرآن بوده و به معنای توجه و قصد به سوی مقصود اطلاق می شود (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱/ ۲۰۰). آیات یعنی نشانه ها؛ اما واژه های بینه و برهان نیز به معنای نشانه تلقی می شود که هر کدام بار معنایی خاص خود را دارد. نشانه ها یا دوبعدی هستند که در قرآن به عنوان علامات یاد می کنند؛<sup>۱</sup> یا در قالب یک فضای سه بعدی به توصیف واقعه ای می پردازد و قابلیت تصویری کردن صحنه وجود داشته و مطالعه وقایع را ممکن می سازد. در این حالت وقتی انسان وارد فضای آیه می شود درک یک فضا و مفهوم بسیار عظیم تر برایش ممکن می شود. قرآن مملو از این فضا سازی های آیاتی است که برای تقریب به ذهن و آمادگی برای ورود به رویدادی عظیم در آینده حکایت دارد؛ مثل ترسیم فضای قیامت یا صحنه های معجزات انبیا علیهم السلام. از ویژگی های صحنه های آیات تکرار پذیری آن است. به بیانی دیگر، اگر ظرف

۱. «وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ» (نحل / ۱۶)

دریافت آیه موجود شود، مصادیقی از آن آیه پیوسته جاری می‌شود.

«آیات الرحمن» در آیه شریفه «إِذَا تَنَالَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا» (مریم / ۵۸) یعنی فضایی که اگر انسان وارد آن فضا شود، بتواند اسم الرحمن الهی را درک کند. رحمت و مهربانی خدا را حس کند. عطای بدون استحقاق خدا را ببیند. اسم الرحمن بسیار بزرگ است؛ تبیین کننده اسم الرحمن، آیه الرحمن می‌شود. آیه الرحمن، فضایی از مهربانی بسیار عظیمی که خداوند برپا کرده است.

در همین راستا انسان می‌تواند فضای رحمتی که بین امام حسین علیه السلام و کاروانیان بود و سبب شد یاران بخواهند در مسیر فدا شدن برای امام علیه السلام از هم سبقت بگیرند را درک کند. حرکت عظیم اربعین نیز در ادامه درک مفهوم آیات الرحمانی است که در راستای تربیت‌های حسینی در این زمانه واقع شده است. در واقع توجه به «آیات الرحمن» نقطه ورود به ارزش‌های حسینی است.

بنابراین نکته بسیار مهم در سیره خوبان، توجه و عجزین شدن زندگی ایشان با آیات الهی، یعنی فهم آیات یا صادره‌های تکرار شونده خدایی بود. این موضوع هم در مورد شش نفر از اولیای الهی - که در این سوره از ایشان یاد شده - و هم در مورد کاروانیان حسینی علیهم السلام توجه به وجهی از نشانه‌های الهی نمود داشت. زکریا علیه السلام پس از قبولی در کلاس عبودیت، وارد کلاس آیاتی شد. خداوند به تبع درخواست ایشان، آیه‌ای برایشان قرار داد که مقدمه عطای یحیی علیه السلام بود. تقاضای ایشان به این خاطر بود که می‌دانستند در عرصه مواجهه با آیات، رفتار صحیح نشان دادن بسیار مهم است. همین نوع رفتار است که انسان را مشمول محبت‌هایی خاص تر از جانب خداوند می‌کند. بدین سبب، تقاضای آیه‌ای از جانب خدا می‌کنند تا آیندگان نیز بیاموزند که محبت‌های خاصه درگرو ورود به صحنه‌های خداوندی و رفتارهای عالی نشان دادن است. تلاش برای بهتر فهمیدن صحنه‌هایی که خداوند برای تربیت انسان قرار داده و نیز همت گذاشتن بر انجام رفتار مطلوب، نشان از هماهنگی و همسوس شدن با برنامه خداست. انسان با توجه و فهم زبان صحنه‌ها و آیات الهی، عبودیت خود را نسبت به خداوند تقویت می‌کند. این عبودیت، گاه سر سجاده و گاه در میدان عمل تحقق می‌یابد.

در مورد یاران امام علیه السلام اساساً توجه به مقام امامت و ولایت حجت خدا که منصوب از جانب خدا و از آیات عظمای الهی است<sup>۱</sup> بسیار پررنگ بود. در شب عاشورا، اباعبدالله علیه السلام به نافع بن هلال فرمودند: «آیا نمی خواهی شبانه بین این دو کوه بروی و جان خود را از این گیرودار نجات دهی؟» نافع تا این سخن را می شنود، روی دویای امام می افتد و می بوسد و با سوز و گداز عرضه می دارد: «مادرم به عزایم بنشیند [اگر بروم]. شمشیرم معادل هزار درهم و اسبم نیز معادل هزار درهم است؛ خداوند افتخار همسویی با تو را به من عطا کرده؛ از تو جدا نگردم تا در راه تو قطعه قطعه شوم» (مقرم، ۱۳۹۱: ۲۶۲ - ۲۶۳).

این همسویی با حجت و خلیفه خدا، نشان از منظر آیه بین بودن وجود مطهر امام علیه السلام را دارد که در بین یاران موج می زد.

بنابراین شگرد مهم رفتاری این بزرگواران جدای از ویژگی های فردی، رفتار در قبال آیات الهی بود. در سوره مریم علیه السلام به این مطلب اشاره شده است:

﴿... إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ حَرَّوْا سُجَّدًا وَبُكِيًّا﴾ (مریم/ ۵۸)

آنها کسانی بودند که وقتی آیات خداوند رحمان بر آنان خوانده می شد به خاک می افتادند، در حالی که سجده می کردند و گریان بودند.

در بیان معنای تلاوت می توان رفتار ماه نسبت به خورشید را به یاد آورد:

﴿وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا \* وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا﴾. (شمس / ۱-۲)

این که قمر نسبت به شمس تلاوت می کند، یعنی خورشید را در مدارش دنبال می کند. خورشید مثالی از آیات الرحمن و اسم الرحمن است و کار ماه، پیمودن وردگیری

۱. الإمام أبو محمد العسكري علیه السلام قال: «قال الله تعالى: ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا﴾ الدالات على صدق محمد على ما جاء به من أخبار القرون السالفة، وعلى ما أدها إلى عباد الله من ذكر تفضيله لعلي وآله الطيبين خیر الفاضلين والفاضلات، بعد محمد سيد البريات أولئك الدافعون لصدق محمد في إنبائه، والمكذبون له في نصب أوليائه: علي سيد الأوصياء، والمنتجبين من ذريته الطاهرين. (بحرانی، ۱۳۷۴: ۱/ ۱۹۸)؛ امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: خداوند می فرماید: کسانی که تکذیب آیات ما را می کنند، کسانی هستند که ادله پیامبر مبینی بر تفضیل امیرالمؤمنین علی علیه السلام را تکذیب می کنند. اینها تکذیب کنندگان صدق انبیا پیامبر در ولایت و معرفی امیرالمؤمنین به وصایت پیامبر علیه السلام هستند.

کردن خورشید است. کسی که تلاوت کند، دنبال آن موضوع حرکت می‌کند و پیوسته چشم به آیه دارد. مانند رفتاری که امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت به رسول الله صلی الله علیه و آله داشتند، یا رفتاری که ابوالفضل علیه السلام نسبت به امام حسین علیه السلام از خود نشان دادند. از این رومصدق بارزتلاوت کنندگان آیات الرحمن حسینی علیه السلام، حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام است. ابوالفضل علیه السلام به لحاظ فضایل و درجات و فهم دین، کمالات بسیاری داشت، اما نسبت به مولای خویش، بسیار خاضع و خاشع بود.

پیروی از خواست امام از صفات بارزایشان به شمار می‌رفت. در واقع ایشان مترصد بود که خواست امام زمان خویش را دریابد و به سرعت درصدد تحقیق آن برآید. ضمن این که ایشان درکنار همه فضایل خود، بسیار به حفظ حریم مولای خویش توجه داشت. از این رو در شب عاشورا زمانی که هرکدام از یاران مشغول مناجات و عبادت بودند، به دور خیام به پاسداشت حریم امام علیه السلام می‌پرداخت. تک سواری تنها دردل شب، حافظ حریم آل الله؛ رفتاری که قیمت فضایل ایشان را بسیار بالا می‌برد؛ رفتاری که باید برای یک شیعه درکنار فضایل دیگر پررنگ جلوه کند.

تلاوت قمر از خورشید عاشورا مثال زدن است، تا جایی که مقام ایشان را در میان شهدا بی نظیر می‌گرداند. صفتی که باید الگوی عملی همه شیعیان و محبان اهل بیت علیهم السلام باشد.

عاشورای سال ۶۱ هجری، اثراتی که در طول قرن‌ها بر قلوب پاک طینت‌ان در سراسر عالم گذاشت، برای اهل تلاوت بسیار پررنگ است. لذا پیوسته آن را در طول تاریخ مطالعه می‌کنند. بزرگانی مانند ابراهیم، زکریا و موسی علیهم السلام به راحتی از آیات خدا عبور نمی‌کردند و با وجوه معرفتی آیت و حجت الهی که در وجود مطهر امام حسین علیه السلام تجلی یافته بود آشنا بودند. از این رو قسمت‌هایی از زندگی ایشان شبیه به ماجرای امام علیه السلام شده بود.

در داستان نوح علیه السلام کشتی ایشان هم جلوه سفینه النجاتی امام حسین علیه السلام را در اذهان تداعی می‌کند تا انسان متمسک از میان طوفان حوادث و گرداب ابتلائات به سلامت عبور داده شود.

در مورد اولیایی که در سوره مریم علیه السلام به آنان اشاره شده، تلاوت آیات الرحمن بسیار

پررنگ بود. در مورد کاروان امام حسین علیه السلام نیز ویژگی تلاوت آیات الهی بسیار جلوه‌گر بود آنها چشم از امامشان بر نمی‌داشتند (امرهم امری ورأیهم رأیی) و سرلوحه خواست قلبی‌شان، خواست امام علیه السلام بود. خُراز روز دوم که با وجود رحمت امام علیه السلام مواجه شد تا روز دهم، پیوسته محبت‌های ایشان را مرور کرد؛ به قدری که دیگر خود را ندید و در نهایت به امام علیه السلام پیوست.

### ۳. انقیاد و خشوع

موضوع مهم دیگری که پس از تلاوت آیات الرحمن جلوه‌گراست، واکنش حسی و قلبی نسبت به تلاوت آیات است که به صورت «خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا» نشان داده می‌شود؛ افتادن به سجده و گریان شدن از دیدن عظمت و محبت‌های خداوند. «خَرَّوْ» در کتب لغت یعنی سَقَطَ؛ یعنی از یک مکان بالاتر و عالی‌تر پایین افتادن. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۱۵)

به تبع بینش توجه و تلاوت آیات الهی، انسان باید به «خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا» کشیده شود. رفتاری که چه زکریا علیه السلام در محراب عبادت، چه موسی علیه السلام در مناجات، چه مریم علیه السلام در عبادتگاه خود و دیگران آن نشان دادند؛ یعنی بعد از روبه‌رو شدن و درک حقیقت آیات الرحمن گریان به سجده افتادند. «خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا» یعنی آب شدن و به سجده افتادن و بر خاک شدن است.<sup>۱</sup>

«بُكِيًّا» گریه‌ای است که فرد را به بالا می‌برد. گریه‌ای که در فضای «خَرُّوا سُجَّدًا» است. این حالت ویژگی مؤمنان به شمار می‌آید و در چند جای قرآن آمده است.

«بُكِيًّا» گریه فروتنی از عطای بدون استحقاق و از سر خضوع است. خوبان و انبیاء علیهم السلام آن رفتار را بسیار نشان می‌دادند. مثل آن چه در کربلا مشهود بود. یاران با زبان و عمل در حال «خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا» بودند؛ خصوصاً در شب عاشورا، کاروانیان اوج انقیاد و تسلیم در محضر ولی خدا از خود نشان می‌دادند. این روحمیات در حالات یاران دیده می‌شد.

۱. «قُلْ آمَنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُثْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا». (سجده / ۱۵؛ اسراء / ۱۰۷)

سید بن طاووس در لَهْف می نویسد:

وَبَاتَ الْحُسَيْنُ وَأَصْحَابُهُ تِلْكَ اللَّيْلَةَ وَهُمْ دَوِيٌّ كَدَوِيٍّ التَّحْلِ مَا بَيْنَ رَاكِعٍ وَسَاجِدٍ  
وَقَائِمٍ وَقَاعِدٍ؛

امام حسین علیه السلام و یارانش، آن شب را به نماز و مناجات گذراندند. زمزمه مناجات آنها از دور، همچون زمزمه زنبوران عسل به گوش می رسید؛ یکی در رکوع بود، دیگری در سجود، آن یکی ایستاده پروردگارش را می خواند و دیگری نشسته.

اثر این سوز و گدازی که از دل های یاران برمی خاست، باعث شد تعدادی از سربازان دشمن تحت تأثیر قرار گیرند و به سپاه امام حسین علیه السلام پیوندند (قمی، ۱۳۵۸: ۱۱۸). در این زمانه نیز در کرده همایی عظیم اربعین این خضوع و «خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا» نمایان است.

#### ۴. اعتزال

موضوع دیگری که در شگرد رفتاری هر شش نفر از خوبان مطرح شده در سوره مریم علیه السلام رفتاری به نام اعتزال یا کناره گیری است. اگر در آیات این سوره دقت شود هر کدام از این بزرگواران به نوعی این رفتار را نشان دادند.

در مورد زکریا علیه السلام: «فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ» (مریم / ۱۱) یا در مورد مریم علیه السلام: «إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا» یا «فَانْتَبَذَتْ بِهٖ مَكَانًا قَصِيًّا» (مریم / ۲۲)، در مورد ابراهیم علیه السلام: «وَاعْتَزَلْتُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا» (مریم / ۴۸) و همین طور در مورد موسی علیه السلام هنگامی که برای مناجات به سمت طور رفت: «وَوَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا» (مریم / ۵۲).

اعتزال یعنی کناره گیری کردن یک سویه (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۸ / ۱۴۳). به عبارتی یک نفر که با یک جمع و مجموعه در ارتباط است، خود را از مجموعه جدا می کند. این اعتزال خارج از برنامه خدا نیست و اساساً خوبان بر اساس خواست الهی، این رفتار را انجام می دادند و با مفهوم رهبانیت تفاوت دارد. اعتزال انبیا علیهم السلام به معنای فرار از مسئولیت الهی خود یا نجات از شرایط جامعه فاسد آن زمان نبود. اعتزال آنها با برنامه خدا منطبق بود و ارتباط مستقیم با ارتقای درجات معنوی ایشان داشت. گاهی برنامه خدا اقتضا می کند که انسان اعتزالی داشته باشد؛ فرصتی که برای تفکر و خلوت. رسول الله صلی الله علیه و آله نیز





بارها در غار حرا برای مناجات با خداوند به اعتزال روی آوردند.

اعتزال گاهی یک حرکت درونی است و اساساً ظهور خارجی ندارد و درون فرد رخ می‌دهد؛ مثل دور شدن انسان از خواهش‌های نفس. به نوعی جداسدن از حصار نفسانیات. چنان‌که از امام علی علیه السلام نقل شده است:

کن فی الناس فلا تکن معهم؛ (نهج البلاغه)

با مردم باش ولی با آنها نباش.

به هر حال ثمراتی خداوند نسبت به این نوع رفتار برای اولیا قرار داده است. مثل عطای فرزندان صالح به زکریا و ابراهیم و مریم علیهم السلام. عطای هارون نبی به موسی علیه السلام و وهبنا له من رحمته اخاه هارون نبیا علیه السلام (مریم/۵۳)، برای ادريس علیه السلام اصلاح امتش و برای اسماعیل صادق الوعد علیه السلام به تبع آن از خود گذشتگی، محشور شدن با اباعبدالله الحسین علیه السلام.

پس در سوره مریم علیه السلام هر شش نفر از خوبان یک رفتار به نام اعتزال داشتند. هر کدام از این بزرگواران مرحله اول یعنی دیدن آیات الرحمن و چشیدن محبت (تلاوت) و سپس «خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا» را نشان دادند و بعد سراغ اعتزال رفتند.

اعتزال فقط مخصوص این بزرگواران ذکر شده نیست. اصحاب کهف هم اعتزال داشتند: «وَإِذِ اعْتَرَّتْهُمُ هُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأُوتُوا إِلَى الْكَهْفِ...» (کهف/۱۶). ذوالقرنین هم اعتزال داشت: «فَاتَّبَعَ سَبَبًا» (کهف/۸۵)، آن‌جا که به تبع برنامه خدا حرکت کرد. همین‌طور در مصادیق مختلف در بین اولیای الهی اعتزال وجود داشت.

در سیره تربیت کاروان حسینی علیه السلام نیز امام، سه مرحله اعتزال جاری کردند. ابتدا اعتزال از فضای ناسالم مدینه و حرکت به سوی مکه، سپس اعتزال از خیل حاجیان مکه که به جای امام علیه السلام به پوسته دین تمسک می‌جستند و از اصل دین غافل بودند. در مرحله آخر نیز اعتزال از خودشان بود، آن‌جا که یاران به خاطر حفظ جان امام علیه السلام باید از خود نیز می‌گذشتند؛ یعنی سه نوع اعتزال در سه شرایط مختلف.

در مورد اعتزال از خیل حاجیان، درسی بسیار مهم وجود داشت. این‌که هر چه هست قائم به امام علیه السلام است. تمام دین و دیانت قائم به نظر ولی خداست. گاه اقتضا می‌کند

رفتارها و فرایض کوتاه و مجمل باشد و گاه بسیط و مفصل. آن چه نزد خداوند بسیار مهم است، حضور پیرامون امامت و تبعیت از ایشان است:

﴿وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا﴾؛ (نساء/ ۱۲۵)

دین و آیین چه کسی بهتر است از آن کس که خود را تسلیم خدا کند، و نیکوکار باشد، و پیرو آیین خالص و پاکِ ابراهیم گردد؟ و خدا ابراهیم را به دوستی خود، انتخاب کرد.

در هر حال اعتزال از موضوعاتی است که در هر دو بستر سوره مریم علیها السلام و سلوک حسینی علیه السلام پررنگ است.

## ۵. اصلاح

اصلاح از ریشه «ص ل ح» از جمله واژگانی است که در سوره مریم علیها السلام معیار رفتار اولیای الهی معرفی شده است. در این سوره، «ص ل ح» در قالب عمل صالح و باقیات الصالحات ذکر شده است.<sup>۱</sup> صالحیت، روح حاکم بر اولیای الهی بوده است و هر کدام از این بزرگواران، این موضوع مهم را در بین امت‌های خود دنبال می‌کردند. اصلاح یعنی ارتقای کیفیت صفات و صادره‌های انسان، به نحوی که در آینده مثمر‌تر باشد. کسی که در مسیر صالحیت قرار می‌گیرد، ابتدا سعی بر اصلاح نفس خود دارد. اولین مرحله اصلاح نفس نیزرها شدن از مجموعه چیزهایی است که بر انسان اثر منفی می‌گذارد؛ از موضوعات درونی گرفته تا بیرونی، اصلاح صفات و ردایل، اصلاح رفتارها و روحیات منفی و به تبع جایگزین کردن مثبتات به جای آنها. بنابراین اصلاح از مقولاتی است که

۱. ﴿الَّذِينَ تَابُوا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَأُولَٰئِكَ يُدْخِلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا﴾ (مریم/ ۶۰)؛ «مگر آنان که توبه کردند و ایمان آوردند و کار شایسته انجام دادند که آنان به بهشت درمی‌آیند و ستمی برایشان نخواهد رفت». ﴿وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَّرَدًّا﴾ (مریم/ ۷۶)؛ «و خداوند کسانی را که هدایت یافته‌اند بر هدایتشان می‌افزاید، و نیکی‌های ماندگار، نزد پروردگارت از حیث پاداش بهتر و خوش‌فرجام‌تر است».

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ اللَّهُ رِزْقًا وَسَعَةً﴾ (مریم/ ۹۶)؛ «کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، به زودی [خدای] رحمان برای آنان محبتی [در دل‌ها] قرار می‌دهد».

بسیار مورد تأیید خداوند است.

در سیره تربیتی امام حسین علیه السلام نیز موضوع بسیار مهمی بود؛ چراکه فلسفه قیام امام اصلاح امت جدّشان عنوان شده بود. امام فرمودند:

إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا، إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ إِصْلَاحِ فِي أُمَّةِ جَدِّي، أُرِيدُ أَنْ أَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرُ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي؛  
(ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۶: ۲۴۱)

من برای جاه طلبی و کام جویی و آشوبگری و ستمگری قیام نکردم، بلکه برای اصلاح در کار امت جدم قیام کردم. می خواهم امر به معروف و نهی از منکر نمایم و به شیوه جد و پدرم حرکت کنم.

امام علیه السلام در حین حرکت در رسیدن به این هدف مهم، اصلاح و تربیت یاران خود را نیز در دستور کار قرار داده بودند. حالات روحیات و رفتارهای یاران خصوصاً در زمان حرکت جمعی در کاروان به گونه ای شد که هر کدام از قالب نفسانی خود درآمدند و حالات آسمانی پیدا کردند؛ به گونه ای که در شب عاشورا بعد از اقرار به جانفشانی در مسیر محبوب، امام علیه السلام جایگاه ایشان را در اعلی علیین، یعنی بالاترین جایگاه آسمان ها به ایشان نشان دادند. بنابراین یکی از ویژگی های مشترک و بسیار مهم در سیره تربیتی امام حسین علیه السلام و سیمای سوره مریم علیه السلام صالحیت و اصلاح است.

## ۶. مودّت

«وُدّ» حب و علاقه ای آرمانی و زیباست که به لحاظ لطافت و والایی، حکم خیالات و آرزو را پیدا می کند (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۳ / ۶۹). در سوره مریم علیه السلام پس از توصیف حالات و صفات خوبان و اولیای الهی، خداوند به عطای ویژگی خاصی به ایشان خبر می دهد که چونان نگینی در ساختار این سوره می درخشد:

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾؛ (مریم/ ۹۶)

کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، به زودی [خدای] رحمان برای آنان مودّت [دردل ها] قرار می دهد.

این مودت برای اولیا در سوره مریم علیه السلام عطا شد. هر کدام از این بزرگواران جلوه ای از این

محبت آرمانی را در میان جامعه خود به ظهور رساندند.

در کاروان حسینی این ویژگی بسیار بارز بود. یاران در نگاهشان به خورشید امامت چیزی دیدند که میل داشتند خودشان را فدا کردند. این ویژگی نشان از ودّ و مودّت داشت و خداوند این بینش را به کسانی که اهل ایمان و عمل صالح و از خودگذشتن هستند، عطا می‌کند. بر اساس آیه شریفه «ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ» (شوری/ ۲۳) این سنت خداوند متعال است که هرکسی مؤمن شود و عمل صالح به جای آورد، بشارت مودّت ذی القربای پیامبر ﷺ روزی اش خواهد شد. بنابراین چه کسی از امام حسین ﷺ به رسول الله ﷺ نزدیک تر بود تا حق مودّت نسبت به ایشان ادا شود؟ رفتارهای اربعینی نیز در ادامه همان روحیات اثر پذیرفته از تربیت حسینی ﷺ است. آن چه محبان و شیعیان در اربعین نشان می‌دهند، علاقه‌ای آرمانی در کمال خضوع و افتادگی به خاطر مولا است.

انسان در فضای اربعین از منصب و مقام دنیا دوری می‌گزیند و به عشق ابا عبد الله ﷺ خاکساری و خشوع را از خود نشان می‌دهد.

### بررسی بخش دوم ساختار سوره مریم ﷺ

تا به این جا به بررسی مهم‌ترین ویژگی‌های مثبت مطروحه در سوره مبارکه مریم ﷺ پرداخته شد. صفاتی که در سیره تربیتی امام حسین ﷺ و در جمع کاروانیان نیز به عنوان شاخص‌ترین صفات در یک جامعه آرمانی ظهور و بروز یافته بود. آن چه از عبودیت، خشوع، اعتزال، اصلاح و مودّت اشاره شد، خمیرمایه اصلی تربیت‌های جاری شده در کاروان حسینی ﷺ بود. در ادامه آیات به برخی ویژگی‌ها در سوره مبارکه شاره می‌شود که در تقابل صفات مثبت قرار دارد. ویژگی‌هایی که اگرچه صفات شخصی به شمار می‌آیند، اما نتیجه آن، سبب ایستایی و تقابل در مقابل امام ﷺ خواهد بود. وقتی در لشکر دشمنان اهل بیت ﷺ به ویژه در روز عاشورا این رذایل ردیابی می‌شود، ظهورات وسیعی از این صفات در بین لشکریان دشمن موج می‌زند. لذا از جنبه آسیب‌شناسی می‌طلبد که این



صفات برشمرده شده و به جهت اصلاح و رفع این رذایل در قلوب مورد تدقیق قرار گیرد. در چهل آیه پایانی سوره مبارکه مریم علیها السلام صفات منفی برشمرده شده که عبارتند از:

### ۱. ضایع کنندگان نماز و پیروان شهوات

شروع این بخش با آیه «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ عَذَابًا»<sup>۱</sup> (مریم / ۵۹) است.

در این جا به نظر می‌رسد ضایع کردن نماز و پیروی از شهوات، اثرات گمراه‌کنندگی و دور شدن از رحمت الهی را در پی دارد. افرادی که به ظاهر نماز بسنده کرده بودند، اما حقیقت نماز را نادیده انگاشتند و آن را ضایع کردند؛ در حالی که در سیره اهل بیت علیهم السلام خصوصاً امام حسین علیه السلام در شب و روز عاشورا اقامه نماز در اولویت قرار داشت نقل است که امام حسین علیه السلام در شب عاشورا به ابوالفضل علیه السلام فرمود: «از دشمن مهلت بخواه؛ زیرا من نماز و دعا و تلاوت قرآن را دوست دارم.»<sup>۲</sup> «اِنِّی احب الصلَاة» از جملات ناب سیدالشهدا علیه السلام در رزمگاه خونین کربلاست که اوج دلدادگی و بندگی و انس آن حضرت را به نماز و ارتباط با خالق هستی به تصویر کشیده است. روز عاشورا نیز تعداد زیادی از یاران تربیت یافته سپر کردند که سپربلای جان امام علیه السلام و یاران شونند. بنابراین ضایع کردن نماز و تبعیت از شهوات رفتاری است که اگر بر مبنای آموزه‌های الهی اجرا نشود، سبب می‌شود رفتارها حاکی از خواندن نماز، ولی شمشیرهایشان علیه اقامه کننده حقیقی نماز شود؛ رفتاری که در قبال امام حسین علیه السلام مشهود بود.

### ۲. خود برترینی و عجب

ویژگی دیگر، عجب، منیت و خود برترینی است؛ صفتی که باعث صف‌آرایی در پیشگاه امام علیه السلام و نادیده انگاشته شدن حرمت ولی خدا شد. خداوند می‌فرماید:

﴿وَإِذَا تُلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا

۱. اما پس از آنان، فرزندان ناشایسته روی کار آمدند که نماز را تباه کردند و از شهوات پیروی نمودند؛ و به زودی [مجازات] گمراهی خود را خواهند دید!

۲. «فان استطعت أن تؤخرهم الی غد... فهو یعلم أننی کنت قد أحب الصلَاة له و تلاوة کتابه و کثرة الدعاء و الاستغفار» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۴/ ۳۹۲)

وَأَحْسَنُ نَدِيًّا»؛ (مریم/ ۷۳)

وهنگامی که آیات روشن ما برآنان خوانده می‌شود، کافران به مؤمنان می‌گویند: کدام یک از دو گروه [= ما و شما] جایگاهش بهتر و جلسات انس و مشورتش زیباتر، و بخشش او بیشتر است؟!؟

برخی افراد همیشه تصور می‌کنند که به لحاظ ایمان در بالاترین جایگاهند و از نظر عمل کسی به پای آنها نمی‌رسد و همیشه بهترین رفتار را از ایشان سر می‌زند. اما هرگز تصور نمی‌کنند که معیارهای خدایی با تصورات ذهن‌شان بسیار فاصله دارد. این قبیل افراد چشم و گوش خود را به روی معیارهای حق و حقیقت می‌بندند و آن چه که به ذهن پر آشوب و القا زده خود می‌رسد، بها می‌دهند و ملاک رفتارهای نفسانی خود قرار می‌دهند.

در آیاتی از سوره کهف، حالات و سرانجام این قبیل افراد معرفی می‌شود:

﴿الَّذِينَ صَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾  
(کهف/ ۱۰۴)

آنها که تلاش‌هایشان در زندگی دنیا [و ناپود] شده؛ با این حال، می‌پندارند کار نیک انجام می‌دهند!

نکته مهم این است که این افراد به زعم خود اهل سعی هم هستند، اما سعی‌شان بی‌فایده است؛ زیرا گمان می‌کنند اعمالی که برای آخرتشان فرستاده‌اند برایشان مفید است، در صورتی که آنها همان کسانی بودند که به آیات پروردگار و ملاقات با او را کافر شدند. پس اعمالشان حبط شد و میزانی برای اعمال آنها وجود ندارد.<sup>۱</sup>

امثال این افراد کسانی هستند که وقتی به امام علیه السلام می‌رسیدند یا زبان به نصیحت امام می‌گشودند یا به طعن. در واقع خودشان را به قدری مُحَقِّق می‌دیدند که حتی برای یاران امان‌نامه می‌آوردند. این قبیل افراد نه تنها حقیقت برای آنها پوشیده بود، بلکه اگر مشخص نیز بود، به خاطر منافع و جایگاه دنیایی خود روی آن صحه می‌گذاشتند و حق را جور دیگری جلوه می‌دادند. این قبیل افراد هم در زمان انبیا علیهم السلام و هم در زمان

۱. ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا تُنْقِمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا﴾ (کهف/ ۱۰۵).

اهل بیت علیهم السلام بودند و هستند.

### ۳. کفران و اعراض از آیات

کسانی که هیچ‌گاه خود را در معرض آیات الهی قرار نمی‌دهند، اصلاً آیات و نعمات را نمی‌بینند که بخواهند بها دهند و پیوسته در حال اعراض به سر می‌برند. براین اساس این افراد، به آیات ایمان ندارند و پیوسته در حال کفر و سرکشی از حق هستند.<sup>۱</sup> در واقع این افراد کسانی هستند که از کنار آیات الهی می‌گذرند و توجهی نمی‌کنند و حتی به غیر خدا نسبت می‌دهند. وقتی انسان اعراض از آیات کند کفر و سپس ظلم هم از او سر خواهد زد.<sup>۲</sup> امثال شمر و عمر سعد، این افراد به خاطر زمینه بی‌ایمانی و اعراض از آیات الهی، به چنان ظلمی کشیده می‌شوند که سرولی خدا را به روی نی بردند.<sup>۳</sup> این افراد با این که با آیات بیّنات خدا که مصداق بارز آن وجود امام حسین علیه السلام بود مواجه شدند اما اعراض کردند و نسبت به حجت خدا رفتار مطلوب را نشان ندادند، بلکه به بدترین شکل ممکن با امام زمان خود برخورد کردند. در نتیجه به بد سرانجامی کشیده شدند. چنین کسانی مشمول و دور شدن از رحمت، هلاکت و عذاب هستند:

﴿قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا﴾؛ (مریم/ ۷۵)

بگو: کسی که در گمراهی است، باید خداوند به او مهلت دهد تا زمانی که وعده الهی را با چشم خود ببینند: یا عذاب [این دنیا] یا [عذاب] قیامت! [آن روز] خواهند دانست چه کسی جایش بدتر، و لشکرش ناتوان‌تر است!

همان‌گونه که پیش‌تر ذکر آن رفت تجلی آیات الهی در وجود اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام نمود و ظهور دارد. خداوند بهترین نشانه‌های خود را در ظرف وجودی آن

۱. ﴿أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتِيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا﴾ (مریم/ ۷۷)؛ «آیا دیدی کسی را که به آیات ما کافر شد و

گفت: «اموال و فرزندان فراوانی به من داده خواهد شد»؟!؟

۲. ﴿سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ﴾ (آل عمران/ ۱۵۱)

۳. ﴿ذَلِكِ بَأْسُهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ﴾ (بقره/ ۶۱)

بزرگواران قرار داده و وظیفه انسان را توجه و اقامه وجه به سوی آیات کبرا و نبأ عظیم که وجود مطهر اهل بیت علیهم السلام است می داند.

### نتیجه

در این تحقیق، سبک تعلیم و تربیت واقع شده در کاروان حسینی علیه السلام و سیمای آیاتی آن در سوره مریم علیه السلام تبیین شد. به طور قطع نکات و ظرایف بسیاری از روش اهل بیت علیهم السلام در تربیت شیعیان وجود دارد که هم در سوره مریم علیه السلام و هم در جای جای قرآن بدان اشاره شده است. قرآن تجلی صفات و سیمای اهل بیت علیهم السلام است و بهترین مرجع برای بازشناسی سیره آن بزرگواران به شمار می رود. لذا نگاه از این منظر به آیات قرآن ابواب روشن گری را به روی جویندگان حقیقت نورانی قرآن می گشاید و نگاه به سیره تربیتی اهل بیت علیهم السلام خصوصاً امام حسین علیه السلام را از منظر تاریخی به منظر قرآنی ارتقا می دهد. به نظر می رسد سوره مریم علیه السلام آینه کلام خداوندی در ماجرای حسینی علیه السلام است و سلوک حسینی در سیمای آیاتی این سوره مبارکه تجلی دارد. در واقع نگاه به این سوره از منظر تربیتی برای معرفی سیره امام علیه السلام و شگردهای رفتاری مدنظر خداوند، روشی بسیار اثرگذار است. به بیانی دیگر، سوره مریم نقشه راهی برای کاروانی شدن و ورود به حریم اهل بیت علیهم السلام به عنوان آیات عظمای الهی است؛ به گونه ای که هر کس بخواهد به کاروان حسین علیه السلام پیوندد، می تواند با این منظر به سوره مریم علیه السلام بنگرد. در این سوره شگرد رفتاری خوبان برای آیندگان و نیز آسیب شناسی رفتار اشقیاء معرفی شده است تا معایب رفتاری معلوم شود.

مضامین این سوره مبارکه در این زمانه در صفات اربعینون نیز جلوه گراست؛ موجی عظیم و خدایی به سمت امام علیه السلام که بهترین صحنه های وُد در آن به منصفه ظهور رسیده است. بنابراین اجتماع عظیم اربعین نیز می تواند آیه بیتنه ای باشد که در ادامه همان تعلیم و تربیت های جاری شده در کاروان حسینی علیه السلام ظهور یافته است. از این رو نگرش از منظر آیاتی یعنی قرار گرفتن در فضای آیات الرحمانی رحمة الله الواسعه ابا عبدالله الحسین علیه السلام و حضور در صحنه پردازی که خداوند آن را به وجود آورده است می تواند مقدمه ای برای ورود به صحنه ای بسیار عظیم تر، در مقیاسی عالم گیر به نام ظهور منجی عالم بشریت باشد.



## منابع

- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۶ق)، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، نجف، مطبعة الحیدریة.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ش)، کامل الزیارات، نجف، دار المرتضویة.
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۳۷۴ش)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه البعثة.
- جزائری، نعمت الله بن عبد الله (۱۳۸۰ش)، داستان پیامبران؛ عزیز یوسف، تهران، انتشارات هاد.
- حسن بن علی علیه السلام (بی تا)، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري علیه السلام، قم، مدرسه الإمام المهدي علیه السلام.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت - دمشق، دارالقلم - الدار الشامیة.
- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۳۷۸ش) نهج البلاغه، ترجمه: جعفر شهیدی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲ش)، الخصال، ترجمه: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۲ش)، کمال الدین، ترجمه: منصور پهلوان، بی جا، بی نا.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۳ق)، معانی الاخبار، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- \_\_\_\_\_ (بی تا)، اسرار توحید (ترجمه التوحید للصدوق)، ترجمه: محمد علی اردکانی، انتشارات علمیه اسلامیة.
- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبری، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۱۳ق)، دلائل الإمامة، قم، مؤسسه البعثة.

- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، تفسیر العیاشی، تهران، المطبعة العلمية.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الامالی، قم، کنگره شیخ مفید.
- موسوی مقرر، عبدالرزاق (۱۳۹۱ق)، مقتل الحسین، بی جا، بی نا.
- موسی، حسین یوسف (۱۴۱۰ق)، افصاح فی فقه اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- میرحسینی، سید محمد؛ علی اسودی (۱۳۹۱ش)، «معناشناسی تکرار در سوره مبارکه مریم علیها السلام»، مجله ادبیات دینی.

